

میدون و سوفیا

نحوه پخت برنامه‌های صداوسیما



یوریا عالمی

● سوفیا... عشقم... امروز یک دستور آشپزی نوشته‌ام که آن را در طبق اخلاص می‌گذارم! نحوه ساخت تلویزیون! چشم روشن مردانه / ۶ جفت (هر شبکه یک جفت)

کرشمه مردانه / ۶۷ مورد
چند نفر که حس کنند خیلی خوش‌تیپ هستند و نظر خاصی نداشته باشند و هرچی روی کاغذ بنویسی بدهی دستشان از روش بخواوند / به تعداد کافی ماهواره فارسی‌زبان خارج از ایران / هرچی برنامه دارد و مردم می‌بینند
ماهواره خارجی‌زبان / هرچی برنامه سرگرمی دارد
کاغذ الگو یا بوردا / ۷۰۰ متر
دوشاخه / یک عدد
محتوا / لازم نیست
عدد ۲ برای اسم‌اس/ سه هزار عدد
خب... عزیزانم... برای ساخت تلویزیون و صداوسیما همین مواد کافی است. همین مواد را بریزید توی هم و قاطی کنید؛ یعنی یک حبه محمدرضا گلزار و یک نوک قاشق حمید گودرزی را خوب می‌زیم تا با هم قاطی بشوند. سپس اینها را می‌گذاریم توی آفتاب تا خشک شوند. سپس ماهواره را روشن می‌کنیم و می‌بینیم خارجی‌ها دارند چی‌کار می‌کنند. هر برنامه‌ای خوب بود، کاغذ بوردا را سریع می‌اندازیم روی تلویزیون و از روش کپی می‌کنیم. بعد با یک دانشمندی قرارداد می‌بندیم که عین همین برنامه را بسازد. حالا توجه کنید که باید بزئید ماهواره فارسی‌زبان و ببینید آنها دارند چی‌کار می‌کنند. بعد برنامه‌های خبری، برنامه‌های تحلیلی، برنامه‌های آپارات و نوبت شما و کلا هر برنامه‌ای در من و تو یا بی‌بی‌سی شروع که شد، یک کاغذ بوردا هم می‌اندازیم روی آنها و سریع آنها را هم کپی می‌کنیم. حالا محمدرضا گلزار و حمید گودرزی را با کمی نور آبی می‌ریزیم توی موادمان که آماده شده و آنها را می‌گذاریم در کانال‌های تلویزیون تا خشک شوند. این به‌عنوان خورش. اما برای چلو چه‌کار کنیم؟ آن آدم‌ها را که حس می‌کنند خوش‌تیپ هستند و اکثرا تنها تعریفشان از خبرنگار این است که جلیقه شش جیب بپوشند، می‌ریزیم توی همزن و حالا هم تزن کپی زن. محتوا هم لازم نیست، چون غذا را سنگین می‌کند و غذای سنگین روی دل آدم می‌ماند. در آخر به اینها یک تشت کرشمه اضافه می‌کنیم، بعد یک مشت عدد ۲ می‌پاشیم توی غذا تا مجری‌ها و گزارشگرها هی به مردم بگویند عدد ۲ را بفرستند به برنامه‌شان تا ساعت دیواری برنده شوند.

خب عزیزانم، برنامه‌های تلویزیون ما آماده است. کافی است دوشاخه را بزئید توی پریز. این بود آتش شلم‌شوربا‌ی ما. من هم سرآشپز بین‌المللی، میدون دوم هستم و مطمئن باشید با این دستور یختی که دادم، فردا رئیس صداوسیما من را دعوت به برنامه‌سازی می‌کند، می‌کنید. هیچ‌کس مثل من به این دستور یختی محرمانه دست پیدا نکرده است.

دور دنیا

طراحان نیز می‌میرند!

● کارل لاگرفلد، طراح لباس، عکاس، نقاش و کاریکاتوریست مشهور آلمانی، ساکن فرانسه روز گذشته در ۸۵سالگی درگذشت. او بیش از همه به‌عنوان یکی از چهره‌های کلیدی صنعت مد و مدیر «شال» و «فندی» شهرت داشت و البته ظاهر نسبتاً غیرعادی و همیشگی او با موی یکدست سفید، عینک آفتابی سیاه، یقه بلند و دستکش‌های بی‌انگشت بیش‌ازپیش به شهرتش ادا من می‌زد. اما نکته مهم درباره شخصیت او اعتیاد بیش‌ازحدش به کار بود و اینکه روزی ۱۶ ساعت بی‌وقفه کار می‌کرد و تا آخرین روز زندگی، چنان‌که گفته شده است، حاضر نشد از کار و طراحی دست بکشد. در واقع از حدود یک ماه پیش که در جریان نمایشگاه موسوم به اوت کوت (Haute Couture) بهار ۲۰۱۹ شانل سرمی‌سختی خورد، با وجود همه توصیه‌های پزشکان و شایعه‌شاهی رسانه‌ای یک لحظه هم حاضر نشد دست از کار بکشد و از قرار معلوم، همین سماجت هم کار دستش داد! کارل لاگرفلد در سپتامبر ۱۹۳۳ در هامبورگ متولد شد. کودکی او در دوران جنگ جهانی دوم آلمان نازی گذشت ولی پدرش که از کارخانه‌داران و شخصیت‌های صنعتی مورد نیاز رژیم هیتلر بود، توانست از جنگ دور بماند. بعد از جنگ و تحصیل در مدرسه خصوصی، به فرانسه رفت و دوران متوسطه را در آنجا گذراند و مدرک کارشناسی در رشته هنر و تاریخ را گرفت. با طراحی‌های لباسش در دهه ۱۹۵۰ شهرتی به هم زد و به‌عنوان یکی از نوابغ جوان این رشته شناخته شد. او در دهه‌های بعد با چندین برند و خانه‌های مد مانند کلونه همکاری کرد و همچنین طراحی لباس چند اجرای تئاتر و اپرا را برعهده گرفت. او از سال ۱۹۸۳ به شانل پیوست و مدیریت آن را برعهده گرفت و ۳۶ سال با شانل همکاری کرد که رکوردی در تاریخ آن محسوب می‌شود.

شترخوار

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۱ اسفند ۱۳۹۷ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۰ ۲۰ فوریه ۲۰۱۹ سال شانزدهم شماره ۳۳۷۱ ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ اذان مغرب ۱۸:۰۹ اذان صبح فردا ۵:۲۱ طلوع آفتاب ۶:۴۵

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

داریو کاستیلجوس



زنانی که من دیده‌ام

با من به زبان خودم سخن بگو



زهرآ عمرانی

همسر جیران در دانشکده هم‌کلاس خواهرم بود. وقتی فهمیده بود یک دانشجوی ایرانی وارد دانشکده شده، به سراغ خواهرم رفته، خودش را معرفی کرده و گفته بود همسرش ایرانی است. این شد که ما یک شب به خانه جیران دعوت شدیم و دوستی‌مان شکل گرفت. جیران در آمریکا به دنیا آمده و بزرگ شده بود. در دانشگاه «آموزش کودک» خوانده و مدت‌ها به‌عنوان معلم در کودکانستان و دبستان تدریس کرده بود. بسیار زیبا بود؛ دختری شرقی، با چشمانی درشت و مشکی، مانند آهوا آن زمان ۳۴ ساله بود و در این مدت هرگز به کشورش، ایران، سفر نکرده بود. پسر کوچک‌شان تازه به دنیا آمده بود و دغدغه روز و شب جیران در آن زمان، یادگرفتن زبان فارسی و آموزش آن به پسرش بود. هرچند به سختی و شکسته-بسته، اما فقط به فارسی با پسرش صحبت می‌کرد. برای ما این تلاش عجیب جیران برای مکالمه به زبان مادری تعجب‌برانگیز بود. قصه «زبان مادری»، برای من با «قصه جیران» پیوند خورده است. می‌گفت، در کودکی پدر و مادرش به زبان مادری با او صحبت می‌کرده‌اند، اما وقتی به مهدکودک رفته و نتوانسته با بچه‌ها ارتباط خوبی برقرار کند، آنها نگران شده‌اند و برای کمک به رشد اجتماعی فرزندشان، در خانه هم فقط با او و برادرهای کوچکش به انگلیسی صحبت می‌کرده‌اند. جیران، زبان کشور میهمان را به‌سرعت فراگرفته و در زندگی اجتماعی به خوبی رشد کرده است، اما زبان مادری‌اش را هرگز نیاموخته و ه‌راتچه را هم که در کودکی آموخته بود، به تدریج فراموش کرده بود. حالا که خودش «آموزش» خوانده و به قدرت زبان پی برده بود و می‌دید هم‌سن‌وسالانی را که به چند زبان مسلط بودند و می‌توانستند با «فرهنگ و واژه‌های مختلف» فکر کنند و رؤیا بیافند، دلش بر شده بود از بار حسرت آن دارایی باارزشی که از دست داده بود. اما جیران دختری بااراده بود که به راحتی تسلیم سرنوشت نمی‌شد. حالا تصمیم گرفته بود زبان مادری‌اش را از نو بیاموزد و در این کار مصمم و مختلف، جهان را روایت می‌کنند.

یادداشت

خطر گرسنگی و ترس از آن

غذایی با تصاعد حسابی صورت می‌گیرد. به عبارتی، بزرگ‌ترین خطر که همواره و در سراسر جهان جامعه را تهدید می‌کند و افزایش جمعیت مهم‌ترین عامل آن است، مسئله تهیه مواد غذایی و کمبود آن است. با توجه به اینکه جمعیت ما نیز در حال رشد است و سالانه یک یا دو میلیون نفر به آن افزوده می‌شود، این مسئله، هم از دیدگاه جمعیت‌شناسی مالتوزین و هم بر اساس تئوری تأمین نیازهای اولیه و هم برنامه‌ریزی رده باشد، برنامه بسیار خطرناکی ریخته است. مسئولان و دولت باید خیلی روی این مسئله فکر کنند. به نظر من، جامعه در مقابل گرسنگی تاب مقاومت نخواهد آورد و پیامدهای این مسئله از جایی بیرون خواهد زد. بنابراین بر عهده دولت است که جلوی این پدیده شوم را بگیرد. اکنون این ذهنیت فراگیر شده و هراس اجتماعی و دلهره ایجاد کرده است. مردم یک تئوری در جمعیت‌شناسی که مالتوس سال‌ها پیش در قرن نوزدهم مطرح کرد، رشد جمعیت با تصاعد هندسی و رشد مواد



امان‌الله قریابی‌مقدم جامعه‌شناس

اصلی‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای بشر به اعتقاد عده‌ای از روان‌شناسان اجتماعی مانند مازلو (در تئوری هرم نیازها) یا فردریک هرتزبرگ (واضع تئوری دو عاملی)، نیازهای فیزیولوژیکی است که جامعه‌شناسان به آنها نیازهای اساسی یا اولیه می‌گویند. وقتی نیازهای اساسی به خطر بیفتد، همه‌چیز به خطر می‌افتد. رفع گرسنگی یکی از مهم‌ترین این نیازهاست. به نظر من بیگانه‌ها -چه داخلی و چه خارجی- در شرایط فعلی، چه عمدی و چه غیرعمدی، روی نقطه‌ضعف مهمی انگشت گذاشته‌اند. هیچ چیز به اندازه مسئله تغذیه مهم نیست. می‌توان به‌جای لباس نو با لباس کهنه ساخت یا اگر مسکن نبود، کنار خیابان خوابیدن ممکن است، اما با گرسنگی هیچ کاری نمی‌توان کرد. به این پدیده متأسفانه درست رسیدگی نمی‌شود و این روزها هزاران شایعه مرتبط با آن مطرح شده است؛ یا نکاتی که درباره منشأ و

یادبود

بزرگداشت پوران شریعت‌رضوی در

کانون توحید

مراسم بزرگداشت زنده‌یاد دکتر پوران شریعت‌رضوی (شریعتی)، پنجشنبه، دوم اسفندماه ۱۳۹۷، از ساعت ۱۷ تا ۱۹، در «کانون توحید» (تهران، میدان توحید، خیابان توحید، خیابان پرچم)، برگزار خواهد شد. بسیاری انتظار داشتند برگزاری مراسم تشیع و مراسم بزرگداشت «پوران شریعت‌رضوی» در حسینییه ارشاد برگزار شود، اما با تغییر مکان، این مراسم در کانون توحید برگزار می‌شود. احسان شریعتی پسرش در حاشیه مراسم تشییع پیکر مادرش گفته بود: «در این مکان نمادین جمع شدید تا پیکر مادرمان، پوران شریعت‌رضوی، همسر دکتر علی شریعتی، معلم انقلاب، را تشییع کنیم. پدرم می‌گفت ارشاد ساختمان نیست و یک جنبش است. اگر اینجا را انتخاب کردیم و امروز می‌گویند حق ورود ندارید، شرم بر ما. ما همین‌جا در خیابان شریعتی برای او نماز خواهیم خواند». در این مدت بسیاری درباره جایگاه پوران شریعت‌رضوی نوشته‌اند و پیام‌های مختلف تسلیت در رثای این بانوی عالی‌قدر منتشر شده است. مینو مرتاضی‌لنگرودی نیز در این زمینه در کانال، ما، شریعتی و اکنون نوشته است: «نقش یا قلم‌بروی که پوران خانم برای خود برگزید، نقشی دشوار و برخاسته از چون‌وچراها و درگیری‌های هوشمندانه او با جهان پیرامونش بود. او همچون زن آن‌گاه هم‌نسل خویش نقش زن قربانی سنت و جهالت را نپذیرفت و بازی نکرد. آن دسته از زنان نسل پوران خانم که همسری مردان مبارز و آرمان‌خواه را به دلیل عشق یا شناخت هرچه که بود پذیرفته بودند، همان لحظه عقد و پیوند درمی‌یافتند که قدم در راه دشواری می‌نهند. آنها به روشنی می‌دیدند که مردانی که قرار دل آنها را رده‌اند، در اصل و از اساس دل در گرو آرمان‌های خود داشتند و زیبایی و زنانگی و کدبانویی زنانه آنها نمی‌تواند مایه محکمی برای ساخت زندگی مشترک و خانواده باشد. در اساس هم قرار نبود زن عبورکرده از سنت در تناقض بین زندگی فرودستانه با تابعیت از دلبرانگی زنانه و هنرنمایی در پخت‌وپز و جاروکنی با شخصیت مستقل خدگاه، صد سال درخودماندگی را تجربه کند و دربماند. پوران خانم از نسل زنانی بود که گذر از کهنه به نو را از درون خانواده‌پدیری با احترام و مهربانی آغاز کردند. همان‌ها بودند که خانواده‌هایی بر اساس درک شخصیت مستقل زنان و دختران ساختند. اینها زانی بودند که نه از سر تقلید کورکورانه و تکرار و حتی ترجمه بلکه از جایگاه سوزه‌خودپندار برای گذار آگاهانه از کهنه به نو نخست در کنار مردان خانواده همراه پدر، برادر و همسر خویش قرار گرفتند و دختران و پسرانشان را با تفهیم نقش برابر زن و مرد در جامعه‌آیند کردند. درگیری‌هایی از این نوع بود که هستی‌نیرمزد پوران خانم را از دل مرگ‌های برقرار و هستی‌های پایدار بیرون کشید و مرئی ساخت. هستی قدرتمند پوران در قالب زمان و مکان توانست با چنگ‌انداختن به اخلاق مراقبت از همسر و فرزندان در هنگام‌های بلا و مصیبت سرافرازانه محافظت کند. زنانی که به‌رغم تضییقات و درگیری‌های سیاسی و حبس و زندان و حتی مرگ توانستند روند نوگرایی را با استفاده از امکانات به‌وجودآمده آن چنان که می‌خواهند طی کنند».

برنده آبی

زمانی برای سربرانبودن

ایستاً: برای تهیه گزارش از مرکز «ام‌اس» آسایشگاه که‌ریزک با گروه «شنبه‌ها با‌ام‌اس» همراه شدم؛ گروهی که ۱۱ سال است صبح‌شبه هر هفته به سراغ بیماران این بخش می‌رود و جویای حالشان می‌شود؛ بیمارانی که برخی از آنها میهن است سال‌ها بدون ملاقاتی باشند، اما به قول مهندس توانای گذشته «وضع شما که آن بیرون زندگی می‌کنید از ما بدتر است». او که روی ویلچرش نشسته و دنج‌ترین گوشه سالن را برای تماشا‌ی برنامه انتخاب کرده است؛ زمانی مهندسی حرفه‌ای بوده که به سه زبان مسلط بوده است. زندگی‌اش با یک رژیم غذایی نادرست از این‌رو به آن‌رو می‌شود. او می‌خواسته در یک سال ۵۰ کیلو وزن کم کند. اتفاقاً موفق هم شده، اما بهایی که برای کم‌کردن وزنش داده، خیلی زیاده بوده است: «به سه زبان مسلط بودم، اما الان هنم یاری نمی‌کنند». خیلی از مددجویان بستری‌شده در آسایشگاه یک روز برای خودشان آدم‌های سرشناس و بزرگی بوده‌اند، اما زندگی آن‌طور که دوست داشتند با آنها تا نکرده است؛ مثلاً اینجا پزشک سرشناسی است که وقتی یک روز متوجه می‌شود ام‌اس دارد، زنی را که عاشقش بوده طلاق می‌دهد تا سربرار نباشد و با پای خودش به این آسایشگاه آمده است. برای همین حالا هر سال تولدش که می‌شود، جمعی از پزشکان به آسایشگاه که‌ریزک می‌آیند و تولدش را جشن می‌گیرند. یک قاضی سرشناس هم هست که یک روز حکم‌های تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز صادر می‌کرده، اما حالا سال‌هاست که روی تخت افتاده و کار زیادی از دستش برنمی‌آید. یک سرهنک سابق نیروی هوایی ارتش، حالا سهمش نشستن روی ویلچر و تماشا‌ی آسمان است با مردی که چندماه پیش داشته روی میزش صبحانه می‌خورده و از آنجا که به دلیل بیماری پیشرفته نتوانسته درست غذا را قورت بدهد، سرش را گذاشته روی میز و مرده است.

روایت

موسیقی، کودکی و بیداری



فاطمه قاسم‌زاده* روان‌شناس کودک

انسان اندیشه خود را به دو صورت بیان می‌کند؛ به شکل کلامی که حاصل آن زبان است و به صورت غیرکلامی که انواع هنرها را شامل می‌شود. موسیقی، به‌عنوان یک هنر، بیان تفکر غیرکلامی انسان است. عنصر اصلی در موسیقی، صدا و ریتم است. در موسیقی کودکان، به‌ویژه در روش‌های جدید آن، حرکت از عوامل مهم به شمار می‌رود. از سوی دیگر موسیقی کودک با کلام، موزون؛ یعنی شعر و ترانه نیز پیوند دارد. به‌این‌ترتیب در موسیقی کودک، صدا، حرکت و کلام در هم می‌آمیزند. صدا، پدیده‌ای فیزیکی است که به صورت امواج صوتی بر حس شنوایی انسان اثر می‌گذارد و از طریق عصب شنوایی به مغز می‌رسد و در آنجا به کمک تجربیات پیشین تعبیر و تفسیر می‌شود و شناخت آن محرک حاصل می‌شود. صدا به‌مثابه پدیده‌ای روانی، دارای بار عاطفی یا هیجانی است و برحسب موزون یا ناموزون بودن، حالت‌های عاطفی متفاوتی در انسان ایجاد می‌دهد. صدا در فرایند رشد کودکان اهمیت فراوانی دارد. پژوهش‌های جنین‌شناسی نشان داده‌اند که کودک حتی پیش از تولد نیز به صدا واکنش نشان می‌دهد. ازاین‌رو توصیه می‌شود که مادران در دوران بارداری از صداهای ناهنجار پرهیز کنند و به موسیقی آرام گوش فرادهند. زیرا صداهای موزون به کودک آرامش می‌بخشند و صداهای ناهنجار ترس و اضطراب را در او ایجاد می‌کنند. ریتم برای کودک نقش مهمی دارد. کودک حتی قبل از تولد به ریتم واکنش نشان می‌دهد. در دوران بارداری صدای ضربان قلب مادر برای کودک موسیقی آرام‌بخشی است که او را با مادر پیوند می‌دهد و پس از تولد هم صدا و لالایی مادر در او ایجاد آرامش و نشاط می‌کند. انسان با ریتم ارتباطی طبیعی دارد. بدن انسان از ریتم خاصی پیروی می‌کند؛ ضربان قلب، نبض، تنفس، راه‌رفتن... طبیعت نیز آهنگ خاص خود را دارد تا آنجا که می‌توان از آن به‌عنوان موسیقی طبیعی یا موسیقی سبز نام برد. صدای باران، باد، پرندگان، درختان، دریا، رودخانه و... اجزای تشکیل‌دهنده این موسیقی زیبا و آرام‌بخش هستند. به‌این‌ترتیب انسان با ریتم بدن خود و طبیعت پیوندی ارگانیک دارد. برهمین‌اساس عناصر اصلی موسیقی (صدا، ریتم و حرکت) به‌طور طبیعی با کودک ارتباط دارند و این ارتباط را هیچ دستور و قانونی نمی‌تواند از بین ببرد.موسیقی در آموزش، پرورش و درمان کودکان نقش مؤثری دارد. نتایجی که از تجربیات مراکز پیش از دبستان به دست آمده است نشان می‌دهد که اگر هنگام انجام فعالیت‌های کودکان مانند نقاشی، کاردستی، بازی، غذاخوردن و... موسیقی مناسب به‌عنوان پس‌زمینه پخش شود، کودکان در انجام فعالیت‌ها از تمرکز بیشتری برخوردار می‌شوند، شادتر هستند، کارایی بیشتری دارند، کمتر خسته می‌شوند و درمجموع آن فعالیت‌ها را بهتر انجام می‌دهند. در دوران کودکی، پرورش حواس کودک از اهمیت بسیاری برخوردار است و موسیقی در این زمینه نقش مؤثری دارد. یکی از حواس مهم، حس شنوایی است که با گویایی و تکلم ارتباط مستقیم دارد. با توجه به نقش زبان در تفکر کودک و ارتباط زبان با حس شنوایی، نقش موسیقی در پرورش شنوایی از اهمیت بسیاری برخوردار است. علاوه‌بر اثربخشی موسیقی در پرورش شنوایی، موسیقی به علت بار عاطفی مثبت برای کودکان، انگیزه مناسبی برای یادگیری کودکان در همه زمینه‌هاست. موسیقی علاوه‌بر آنکه در «بیداری» کودکان تأثیرات مثبتی بر یادگیری آنان دارد، هنگام خواب نیز نقش مؤثری دارد. پژوهش‌هایی که در ارتباط با خواب کودکان انجام شده است نشان می‌دهند که موسیقی ملایم و آرام‌بخش، هنگام خواب کودکان سبب می‌شود که آنها زودتر به خواب بروند و خواب بهتری داشته باشند. موسیقی در آموزش کودکان، دو نقش عمده دارد؛ یکی اینکه به علت جذابیت آن برای کودکان نوعی انگیزه یادگیری در آنان ایجاد می‌کند و می‌دانیم که انگیزه، نقش مهمی در یادگیری کودکان دارد. دیگر اینکه کودکان از موسیقی به‌عنوان نوعی سیستم نشانه‌ای در یادگیری استفاده می‌کنند و در به‌یادسپردن و به‌خاطرآوردن مطالب آن را به‌عنوان نشانه و جایگزین به کار می‌برند.موسیقی علاوه‌بر اثربخشی بر رشد شناختی کودکان، در رشد عاطفی آنان نیز نقش مؤثری دارد. موسیقی می‌تواند عواطف مثبت مانند شادی، آرامش، مهربانی، دوستی و... را تقویت کند و عواطف منفی، ازجمله خشم، ناامیدی، اندوه و... را کاهش دهد. پرورش احساسات مثبت با استفاده از موسیقی به سلامت روانی کودکان کمک می‌کند، به همین علت از موسیقی به‌عنوان یک روش درمانی برای کاهش مشکلات رفتاری کودکان می‌توان استفاده کرد که لازم است توسط متخصص موسیقی‌درمانی انجام گیرد. موسیقی به‌ویژه اگر به صورت گروهی اجرا شود که معمولاً در مورد کودکان بر این روش تأکید می‌شود، به رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان و برقراری ارتباط مؤثر با دیگران کمک می‌کند. به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت موسیقی روشی است که به رشد و تحول همه‌جانبه کودکان (رشد جسمی، رشد شناختی، رشد اجتماعی، رشد عاطفی و رشد کلامی) کمک می‌کند و به‌عنوان فعالیتی لذیذبر و موردعلاقه کودکان نقش مؤثری در آموزش و پرورش آنان دارد. آنچه در مورد موسیقی کودکان سؤال‌برانگیز است این است که چرا کودکان با آنکه بخشی از طبیعت انکارناپذیر کودکان است و در رشد و پرورش آنها نقش مؤثری دارد، از طرف مسئولان آموزش‌وپرورش مورد توجه قرار نگرفته و هرازچندگاهی، ممنوعیت آن در مراکز پیش از دبستان اعلام می‌شود؟ ممکن است گاهی روش‌ها و نوع موسیقی که برای کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد، مناسب نباشد؛ اما این مشکل دلیل حذف موسیقی از فرایند آموزش‌وپرورش کودکان، به‌ویژه در سال‌های حساس کودکی، نباید باشد.

✽**عصبت‌مدیره انجمن پژوهش‌های آموزشی بویا**